



اصح اقوال در تاریخ شهادت امام مجتبی(ع) ۲۸ صفر است / ۷ صفر اضعف اقوال است

قول هفتم صفر برای شهادت امام حسن(ع) اضعف اقوال است زیرا هیچ سابقه ای در میان قدما ندارد. از زمان شهادت حضرت تا هفتصد سال بعد هیچ یک از شخصیت‌های شیعه آنرا ذکر نکرده اند.

قول هفتم صفر برای شهادت امام حسن(ع) اضعف اقوال است زیرا هیچ سابقه ای در میان قدما ندارد. از زمان شهادت حضرت تا هفتصد سال بعد هیچ یک از شخصیت‌های شیعه آنرا ذکر نکرده اند.

خبرگزاری مهر، سرویس دین و اندیشه: هر چند در برخی از کتب عامه شهادت آن حضرت را در ربیع الاول ذکر کرده اند، اما مجامع روایی و تاریخی شیعه بالاتفاق این حادثه جانسوز را در ماه صفر دانسته اند گرچه روز شهادت را برخی آخر ماه، برخی بیست و هشتم و برخی هفتم ذکر کرده اند. سیره عملی یکسانی هم در بین شیعیان وجود ندارد؛ در ایران، روز بیست و هشتم و در بیشتر کشورهای شیعه نشین عربی روز هفتم را به یاد ایشان سوگواری میکنند. با رونقی که بحمد الله محافل و مجالس اهل بیت علیهم السلام پیدا کرده است بعضا در کشور ما در روز هفتم هم اقدام به برپایی مجالس سوگواری می کنند. از طرف دیگر روز هفتم در ایران از طرف نهادهای رسمی و مردم به عنوان میلاد امام کاظم(ع) گرمی داشته میشود و این دوگانگی باعث سردرگمی اقشار متدین شده است. در سنوات اخیر تلاشهایی صورت گرفت تا سیره عملی علمای عتبات که برپایی عزا در روز هفتم است در ایران هم فراگیر شود تا هم جوامع شیعی به یک وحدت رویه ای برسند و هم از برپایی مجالس عزا و شادی اهل بیت(ع) در یک روز که تبعات منفی متعددی دارد جلوگیری شود. به دنبال استفتائات صورت گرفته در این مساله نظر مبارک بسیاری از مراجع معظم تقلید مقدم داشتن جانب عزا و خودداری از جشن و سرور اعلام شد.

این نوشتار برای حل پرسشی است که به تبع این جریانات به ذهن بسیاری از علاقمندان به اهل بیت علیهم السلام خطور کرده است که:

قول صحیح در شهادت امام مجتبی(علیه السلام) کدام است؟

در فهرست ذیل اسامی و نظر کلیه اعلام و شخصیت‌های مطرح شیعه از ابتدا تا قرن چهاردهم که در تالیفات خویش متعرض تاریخ شهادت آن امام همام شده اند گردآوری شده است. چنانچه کسی در یکی از کتابهایش یکی از دو قول را ترجیح داده باشد همان نظر برای وی ثبت شده است هر چند در تالیفات دیگرش متعرض تاریخ شهادت نشده باشد و یا اقوال مختلف را بدون ترجیح آورده باشد و چنانچه در کتاب دیگری قائل به نظر دیگری شده باشد هر دو نظر برای وی ذکر شده است.

۱. سعد بن عبدالله اشعری قمی (م ۳۰۱ ه ق) در المقالات و الفرق ص ۲۴: آخر صفر
۲. نوبختی (م ۳۱۰ ه ق) در فرق الشیعه ص ۲۴: آخر صفر
۳. کلینی (م ۳۲۹ ه ق) در الکافی ج ۱، ص ۴۶۱: آخر صفر
۴. شیخ مفید (م ۴۱۳ ه ق) در مسارالشیعه ص ۴۸ و المقنعه ص ۴۵۶: ۲۸ صفر (در ارشاد به روز شهادت اشاره نکرده و به ذکر صفر اکتفا کرده است)
۵. شیخ طوسی (م ۴۶۰ ه ق) در مصباح المتجهد ج ۲، ص ۷۹۰: ۲۸ صفر (در تهذیب به روز شهادت اشاره نکرده و به ذکر صفر اکتفا کرده است)
۶. علی بن محمد خزاز (قرن پنجم) در کفایه الاثر ص ۲۲۹: آخر صفر
۷. محمد بن جریر طبری (قرن پنجم) در دلائل الامامة ص ۱۵۹: آخر صفر
۸. فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ه ق) در روضة الواعظین ج ۱، ص ۱۶۸: آخر صفر
۹. طبرسی (م ۵۴۲ ه ق) در إعلام الوری ج ۱، ص ۴۰۳ و تاج الموالید ص ۸۲: ۲۸ صفر
۱۰. ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ه ق) در مناقب ج ۴، ص ۲۹: ۲۸ صفر
۱۱. اربلی (م ۶۹۲ ه ق) در کشف الغمّه ج ۱، ص ۵۱۶: ۲۸ صفر
۱۲. عماد الدین طبری (قرن هفتم) در تحفة الأبرار ص ۱۶۶: ۲۸ صفر
۱۳. علامه حلی (م ۷۲۶ ه ق) در تحریر الاحکام ج ۱، ص ۱۳۱: ۲۸ صفر
۱۴. رضی الدین حلی برادر علامه حلی (قرن هشتم) در العُدّة القویة: آخر صفر یا ۲۸ صفر
۱۵. شهید اول (م ۷۸۶ ه ق) در دروس ج ۲، ص ۷: ۷ صفر
۱۶. کفعمی (م ۹۰۵ ه ق) در مصباح ص ۵۱۰: ۷ صفر و در البلد الامین ص ۲۷۵: ۲۸ صفر
۱۷. حسینی موسوی (قرن دهم) در تسلیة المجالس ج ۲، ص ۳۲: ۲۸ صفر
۱۸. حموی (قرن دهم) در أنیس المومنین ص ۸۵: ۲۸ صفر
۱۹. والد شیخ بهایی (م ۹۸۴ ه ق) در وصول الاخبار: ۷ صفر
۲۰. شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ه ق) در جامع عباسی ص ۴۴۴ و توضیح المقاصد: ۷ صفر

۲۱. فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ه ق) در الوافی ج ۳، ص ۷۵۵: آخر صفر
۲۲. علامه مجلسی (م ۱۱۱۱ ه ق) در زاد المعاد ص ۲۵۰: ۲۸ صفر (ایشان در کتاب بحار الانوار ج ۴۴، ص ۱۳۴ و ج ۹۷، ص ۲۱۰ و در کتاب مرآة العقول ج ۵، ص ۳۵۱ و در ملاذ الاخیار ج ۹، ص ۱۰۰ صرفا به ذکر اقوال اکتفا نموده است)
۲۳. سید هاشم بحرانی (قرن دوازده) در عوالم العلوم ج ۱۶، ص ۲۷۷ به ذکر اقوال اکتفا کرده است
۲۴. صاحب حدائق (م ۱۱۸۶ ه ق) در الحقائق الناظره ج ۱۷ ص ۳۳۳: ۲۷ صفر
۲۵. محمد علی بن وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ ه ق) در مقامع الفضل ج ۲ ص ۴۲۴: ۲۸ صفر
۲۶. کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ ه ق) در کشف الغطاء ج ۱، ص ۹۶: ۷ صفر
۲۷. القطیفی (زنده در ۱۲۴۵ ه ق) در رسائل ج ۴، ص ۶۹: ۲۸ صفر (ایشان در ضمن جمع بندی اقوال میفرماید قول ۷ صفر هیچ نصی ندارد گرچه در بلاد ما در بین عوام و نه علماء شایع است)
۲۸. صاحب جواهر (م ۱۲۶۶ ه ق) در جواهر الکلام: ۷ صفر
۲۹. شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ ه ق) در الأنوار البهیة: ۷ صفر و به قولی ۲۸ صفر و به قولی آخر صفر. ظاهر این عبارت این است که در نظر ایشان قول اول رجحان دارد بدون اینکه جازم به آن باشند (در منتهی الآمال ج ۱، ص ۵۵۰ و هدیة الزائرین ص ۵۹۲ و در وقائع الایام ص ۲۷۶ و ۲۹۶ و در الفضائل الرجبية مطبوع در ضمن «۱۱ رساله» ص ۵۷۱ اقوال را بدون ترجیح ذکر کرده است)
۳۰. سید محسن امین (م ۱۳۷۱ ه ق) در أعیان الشیعة ج ۱، ص ۵۷۶: ۲۸ صفر

با بررسی نظریات فوق می توان گفت:

۱. قول هفتم صفر (۶ قائل): این قول در بین قدما مذکور نیست اما در بین متاخرین شهرت قابل توجهی دارد و بزرگانی مثل صاحب جواهر و کاشف الغطاء بدان قائلند. در یک کلام مزیت این قول عبارت است از: شهرت در بین متاخرین + عظمت شخصیت‌های صاحب این نظر از بین متاخرین.
۲. قول بیست و هشتم صفر (۱۳ قائل): این نظر چه در بین قدما و چه در بین متاخرین مشهور است لذا میتوان گفت از حیث شهرت قویترین قول است خصوصا که شخصیت‌های برجسته ای از قدما مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و علامه حلی و ابن شهر آشوب در زمره قائلین به این نظرند. در مجموع مزیت این قول عبارت است از: شهرت در بین قدما + شهرت در بین متاخرین + عظمت شخصیت‌های صاحب این نظر از بین قدما
۳. قول آخر صفر (۸ قائل): این قول در میان قدما نظر مطرحی بوده است اما در میان متاخرین متروک است. پس تنها مزیت این قول شهرت در بین قدما می باشد.

نتیجه:

با توجه به اینکه این یک مساله تاریخی است و در صحت یک قول تاریخی قدمت یک منبع معتبر حرف اول را میزند می توان گفت قول به هفتم صفر اضعف اقوال است زیرا هیچ سابقه ای در میان قدما ندارد. از زمان شهادت حضرت مجتبی علیه السلام تا هفتصد سال بعد هیچیک از شخصیت‌های شیعه آن را ذکر نکرده اند. ۱۳ عالم برجسته شیعه از سرزمینهای مختلف اسلامی (قم، ری، بغداد، تبرستان و....) همگی یا قائل به آخر ماه و یا قائل به بیست و هشتم بوده اند و شهید اول نخستین کسی است که این نظر را مطرح کرده است. از طرف دیگر متاخرینی هم که آن را به صورت جزمی اختیار کرده اند نوابغ فقه و اصول هستند نه خبره های تاریخ و حدیث و متخصصینی مثل علامه مجلسی و سید هاشم بحرانی و محدث قمی و سید محسن امین یا قول دیگر را اختیار کرده اند یا مردد مانده اند و یا قول هفتم را ترجیح ضعیفی داده اند.

اما در بین دو قول دیگر می توان گفت گرچه هر دو در بین قدما مشهورند اما قول آخر ماه در بین متاخرین شهرتی ندارد و همین مساله سبب ضعف آن نسبت به قول بیست و هشتم میتواند باشد. لذا اصح اقوال در تاریخ شهادت سبط اکبر علیه السلام، بیست و هشتم صفر است.

توضیحات:

۱. در این شمارش قائلین به اقوال، رضی الدین حلی و سید هاشم بحرانی که صرفا نقل اقوال کرده اند و همچنین کفعمی که در دو کتابش دو قول مختلف اختیار کرده است به حساب نیامده اند.
۲. گرچه به حسب قاعده ای که در ابتدا گفتیم علامه مجلسی را قائل به بیست و هشتم و محدث قمی را قائل به هفتم حساب کردیم اما به نظر میرسد با توجه به اینکه هیچکدام این دو قول را به صورت جزمی قائل نشده اند و در کتابهای متعدد دیگری مردد مانده اند میتوان این دو بزرگوار را هم به گروه مرددین ملحق کرد و به شمار نیآورد هر چند در نتیجه تفاوتی ندارد.
۳. در حدائق تاریخ شهادت را بیست و هفتم ذکر کرده است اما ما آن را قول چهارمی به شمار نیآوردیم زیرا از شخصیت محقق و متنبعی مثل صاحب حدائق بسیار بعید است که به اقوال هزارساله بزرگان شیعه پشت پا بزند و نظر جدیدی را ابداع کند که هیچ مستندی هم برای آن ارائه نداده است و اصولا نمیتوان گفت که مستندی در اختیار او بوده که قبل از ایشان کسی بدان دست نیافته است بلکه این عدد به احتمال قوی محصول تحریف و تصحیفی است که در نسخ حدائق روی داده و عبارت اصلی ایشان یا «سابع صفر» بوده است که در استنساخ یا انتشار، کلمه «عشرین» هم بعد از «سابع» اضافه شده و یا «ثامن عشرین» بوده که به «سابع عشرین» تغییر پیدا کرده است. در بین این دو احتمال، احتمال اول اقوی است به این قرینه که عبارت ایشان دقیقا مانند عبارت شهید در دروس است تنها یک کلمه «عشرین» اضافه دارد اما چون این قرینه جزم آور نیست ایشان را جزء

قائلین به هفتم حساب نکردیم.

۴. در بعضی جزوات منتشر شده ذکر شده است که قاسم بن ابراهیم طباطبا از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام متوفای سال ۲۴۶ هجری در کتاب خود: «تثبیت الإمامة» قائل به هفتم صفر شده است. به نظر می رسد این نسبت درست نیست و بخشی که در آخر کتاب وی به عنوان «موجز تاریخ الأئمة الاثنی عشر» آمده است از قلم مولف نمی باشد و از اضافات مصحح یا ناشر است زیرا:

۱. این کتاب مختصر همان طور که از نام آن پیداست در اثبات اصل امامت است و صرفا به برخی آیات قرآن استناد کرده است و هیچ روایت و نصی بر امامت ائمه دوازده گانه و یا نام آنها در آن به چشم نمیخورد و در چنین سیاقی ذکر تاریخ ولادت و شهادت ائمه دوازده گانه در آخر کتاب وصله نجسبی به شمار میرود

۱. قاسم بن ابراهیم از بزرگان زیدیه است بلکه خود بنیانگذار و رئیس یکی از فرق زیدیه به نام «قاسمیه» است که علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء و منتهی المطلب فتاوی خاص آنان را نقل میکند لذا اصولا قائل به امامت ائمه شیعیان اثنی عشری نمیتواند باشد پس چگونه در کتاب خود فصلی را به عنوان موجز تاریخ الأئمة الاثنی عشر به آنان اختصاص بدهد خصوصا که از ائمه زیدیه مثل زید بن علی و یحیی بن زید هیچ ذکری به میان نیاورده است!

۲. ایشان به گواهی کتب متعدد رجالی و تاریخی متوفای سال ۲۴۶ ه ق است حال چگونه شهادت امام هادی و امام عسگری (علیهما السلام) را گزارش کرده و نوشته است: «توفی فی سنه ۲۵۴» و «توفی فی سنه ۲۶۰»

۳. در گزارش محل مرقد مطهر ائمه (علیهم السلام) کلماتی به کار رفته است که در آن زمان شناخته شده و رایج نبود مثلا در مورد امام جواد علیه السلام می نویسد: «مرقده فی الکاظمین بالعراق» و در مورد امام رضا (علیه السلام): «مرقده فی مشهد بایران» و بر اهل فن پوشیده نیست که در سده سوم هجری شهری به نام کاظمین وجود نداشته است بلکه این منطقه از حواشی بغداد به شمار میرفته است و از شهر مشهد هم به نام طوس یا مرو یاد میشد و اصولا کشوری بنام ایران وجود نداشت تا بخواهد به عنوان آدرس ذکر شود بلکه خراسان و سیستان و آذربایجان و دیگر استانهای فعلی ایران همگی از ولایات مملکت اسلام به پایتختی بغداد به حساب می آمد و این مانند آن است که شخصی در حدود سیصد سال قبل نوشته باشد: «کابل فی افغانستان» و «دمشق فی سوريا»!

در پایان بار دیگر تاکید می شود که این نوشتار صرفا تحقیقی است در تاریخ شهادت سبط اکبر (علیه السلام) و به معنی نفی عزاداری در روز هفتم یا برگزاری مراسم جشن در آن روز نیست.

و من الله التوفیق. ۲۵ صفر ۱۴۳۶

*نویسنده: حجت الاسلام یاسر امینیان، محقق حوزه